

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق علوم سیاسی (مسائل ایران)

عنوان پایان نامه :

دیپلماسی فعال ایران در جنگ جهانی اول و دوم

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر حمید احمدی

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر محمد جعفر جوادی ارجمند

نگارش :

سیده لیلا موسوی

شهریور ۱۳۹۰

سپاسگذاری:

آموختن در معیت انسانهایی بزرگ و آزاد اندیش سعادت است غرور انگیز، پس بر خود لازم میدانم سپاسگراز زحمات اساتید گرانقدر باشم. به گمانم آنچه در این مجموعه گرد آمده است چندان گرانمایه نباشد که بتوانم به آنان که دوستشان می‌دارم و همواره مرهون مهربانی و محبت هایشان بوده ام ارزانی دارم، امید دارم که پذیرا باشند.

چکیده

یکی از مهمترین مباحث سیاست خارجی، دیپلماسی کشورهاست، در جنگ جهانی اول و دوم دیپلماسی کشورها از اهمیت برخوردار گشت، ایران به عنوان یکی از کشورهای با قدرت کوچک سعی داشت منافع ملی خود را حفظ کند. حفاظت از بیطرفی و استقلال کشور در دیپلماسی ایران در نظر گرفته شده بود. پس از اشغال کشور، بسیاری از نویسندگان سیاست خارجی ایران را وابسته به کشورهای بزرگ می-دانستند در حالیکه در این پژوهش کوشیده‌ایم دیپلماسی ایران را "دیپلماسی فعال" معرفی کنیم که می-کوشید در آن موقعیت منافع ملی کشور را حفظ کند. در این پژوهش از نظریه‌ی ساختار-کارگزار استفاده شده است تا بدین شیوه هم ساختار و هم کارگزاران مورد مطالعه باشند، که این کمک می‌کند تا عمل کارگزاران ایرانی را بهتر بفهمیم.

فهرست

۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	بیان مسئله
۴	هدف پژوهش
۴	اهمیت پژوهش
۵	پرسش پژوهش
۶	فرضیه‌ی پژوهش
۶	شاخص سازی
۹	پیشینه‌ی پژوهش
۱۵	روش شناسی پژوهش
۱۵	محدودیت ها
۱۶	حوزه‌ی نظری پژوهش
۱۶	حوزه‌ی عملی پژوهش

۱۶ امکان پذیری پژوهش
۱۶ محدوده‌ی زمانی پژوهش
۱۷ سازماندهی پژوهش
۱۹ تعریف مفاهیم
۱۹ مفهوم بیطرفی
۲۳ مفهوم دیپلماسی
۲۷ مفهوم جنگ
۲۸ مفهوم منافع ملی
۳۰ مفهوم سیاست خارجی
۳۲ فصل دوم: بحث نظری
۳۳ گفتار اول: چهارچوب نظری
۳۴ الف) رویکردهای مختلف از تعامل ساختار-کارگزار
۳۵ ۱- رویکرد ساختار محور
۳۶ نظریه نظم جهانی

- نظریه واقع گرایی نوین ۳۷
- ۲- رویکرد کارگزار محور ۳۸
- رهیافت تصمیم گیری ۴۰
- ۳- رویکرد ساخت یابی ۴۱
- نظریه سازه انگاری ۴۳
- ب) دو نظریه پرداز برجسته ساخت یابی ۴۵
- ۱- بوردیو ۴۵
- ۲- گیدنز ۴۸

فصل سوم: شرایط ساختاری سیاست بین الملل و موقعیت ایران در جنگ جهانی اول

- و دوم ۵۴
- الف) ساختار نظام بین الملل ۵۵
- ب) سیاست بازیگران نظام جهانی در برابر ایران ۶۲
- ۱- هژمونی انگلستان و ایران ۶۲

- ۲- روسیه از رقابت تا همکاری با بازیگر هژمون ۶۴
- ۳- آلمان چالشگر نوین نظام بین الملل ۶۸
- ۴- آمریکا هژمون نو ظهور نظام جهانی ۷۳
- ج) جایگاه ایران در ساختار نظام بین الملل ۷۴
- ۱- عوامل شکل دهنده‌ی قدرت نظامی ایران در جنگ ۷۴
- ۲- شرایط اقتصادی اجتماعی ایران داخلی ایران ۷۷
- ۳- جایگاه ژئوپولتیک ایران ۸۲
- ۴- سیاست خارجی ایران در جنگ جهانی اول و دوم ۸۴

فصل چهارم: کارگزاران سیاست خارجی ایران و ساختار نظام بین الملل در جنگ

- جهانی اول ۸۸
- گفتار اول: رهبری ۸۹
- شاه ۸۹
- نخبگان سیاسی دولت قاجار ۹۰
- گفتار دوم: گفتمان فکری حاکم بر سیاست خارجی ایران ۹۸

- ۱- دیپلماسی فعال ایران ۹۸
- ۲- تلاش برای حفظ بیطرفی ۱۰۴
- ۳- بیطرفی دوستانه ۱۰۸
- ۴- سیاست نیروی سوم ۱۱۰
- گفتار سوم: کنش کارگزاران سیاست خارجی ایران در جهت تامین منافع کشور ۱۱۳**
- ۱- مهار ایلات و عشایر مرتبط با بازیگران نظام بین الملل ۱۱۳
- ۲- سیاست عقب نشینی و پاسخ به فشارهای ساختاری بازیگران نظام جهانی ۱۱۷
- ۳- مقاومت در برابر شناسایی پلیس جنوب ۱۲۴
- ۴- کنش غیر متعارف کارگزاران سیاست خارجی: قرارداد ۱۹۱۹م. ۱۲۹
- ۵- تلاش برای باز پس گیری حقوق ایران در کنفرانس صلح پاریس ۱۳۶
- ۶- تبدیل چالش به فرصت: قرارداد ۱۹۲۱م ۱۳۸
- ۷- مهار بحران ناشی از اعلان جهاد از سوی علما ۱۴۳

فصل پنجم: کارگزاران سیاست خارجی ایران و ساختار نظام بین الملل در جنگ

- جهانی دوم ۱۴۷**

گفتار اول: رهبری ۱۴۸

شاه ۱۴۸

نخبگان سیاسی دولت پهلوی ۱۵۳

گفتار دوم: گفتمان فکری حاکم بر سیاست خارجی ایران ۱۵۹

دیپلماسی فعال ایران در جنگ جهانی دوم ۱۵۹

تلاش برای حفظ بیطرفی ۱۶۲

پاسداری از یکپارچگی سرزمینی ایران ۱۷۱

در جستجوی نیروی سوم نوین ۱۷۶

اعلان جنگ به دولت آلمان ۱۷۹

مقاومت در برابر احیای نظم کهن: رد امتیاز نفت شمال ۱۸۲

گفتار سوم: کنش کارگزاران سیاست خارجی و منافع ملی ایران در جنگ جهانی ۱۸۳

ایستادگی قاطع در برابر تجزیه ایران: شوروی در مساله‌ی آذربایجان ۱۸۳

تضمین حقوقی پایان اشغال ایران: پیمان اتحاد سه گانه ۱۹۶

ملزم سازی آمریکا برای پیوستن به پیمان اتحاد سه جانبه ۲۰۱

۲۰۴.....حضور در کنفرانس مسکو برای تامین منافع ملی ایران.....

۲۰۶.....تاکید بر تضمین استقلال ایران: کنفرانس تهران.....

۲۰۹.....حضور در سازمان بین المللی نوپا: عضویت سازمان ملل متحد.....

۲۱۴.....نتیجه گیری.....

۲۱۹.....منابع.....

فصل اول:

کلیات پژوهش

۱- بیان مساله

جنگهای جهانی اول و دوم به عنوان دو واقعه و دو جنگ بزرگ تاریخ، نه تنها موجبات تغییر ساختار نظام بین‌الملل شد، بلکه خود به عنوان پدیده‌ای از سوی نظام بین‌الملل، روی کشورها با شدت و ضعف متفاوت تاثیر گذاشت و در این بین، بازیگران با جهت‌گیری‌های متفاوت خود بر ساختار نظام بین‌الملل تاثیر گذاشتند. از میان قدرت‌های بزرگ و متوسط همواره نقش قدرت‌های کوچک نادیده انگاشته شده است. بخصوص نقش کشورهای بی‌توانی که تا حد زیادی اثرپذیر بودند و نه اثرگذار.

ایران در طی سال‌های جنگ جهانی اول و دوم، به عنوان یک قدرت کوچک در نظام بین‌الملل، نقش مهم و موثری را ایفا نموده است. این نقش در دو بعد نمود یافته است. ایران به عنوان یک منطقه‌ی مهم استراتژیک، نقش مهمی را در دو جنگ جهانی ایفا نموده است و در واقع بر نحوه‌ی پیشروی جنگ و نتیجه‌ی آن تاثیر گذارده است. و از طرف دیگر، ایران به عنوان یک بازیگر در عرصه‌ی بین‌الملل با دیپلماسی خود، بر نتیجه‌ی آن که جنگ برای ایران داشت تاثیر گذاشت. این دیپلماسی در فضایی صورت گرفت که علاوه بر نظام بین‌الملل، سایر بازیگران در سیاست خارجی ایران هم در نحوه‌ی دستیابی به منافع ملی نقش مهمی را کارگردانی کرده‌اند. ایران با اتخاذ بیطرفی در هر دو جنگ کوشید تا منافع ملی خود را حفظ کند. جهت‌گیری بیطرفی در سیاست خارجی ایران با رویکرد مثبت و منفی شامل سیاست‌های اعلان شده انزوای طلبی، عدم تعهد، موازنه منفی و بیطرفی است. بیطرفی، شناخته شده‌ترین موضع و استراتژی در سیاست خارجی کشورهاست. می‌توان بیطرفی را بر دو نوع تقسیم کرد، یکی موضع رسمی

یک کشور خاص و دیگری، بیطرفی ناشی از توافق های بین الملل یا طرحی که از سوی کشورهای بزرگ به یک کشور ثالث تحمیل می شود. اعلان بیطرفی ایران در جنگ های جهانی اول و دوم مثال مورد اول است که کشور بیطرفی را تنها راه برای نبودن در یک صحنه جنگ ناخواسته بکار می گیرد و میزان موفقیت آن، بسته به شرایط بین الملل، دوری از جنگ و داشتن حداقل ابزارهای نظامی و دیپلماتیک متغیر است.

وضعیت ایران در جنگ جهانی اول، دولتی می توان توصیف کرد با شرایط بد اقتصادی، به همراه قروض فراوان به سایر کشورها، نقش مهم دو کشور روس و انگلیس در سیاست خارجی ایران و عدم وجود نیروی نظامی کافی برای حفظ بیطرفی. اعلام بیطرفی با توجه به پیشینه تاریخی در ایران و ضعف قوایی که برای حفظ این بیطرفی لازم بود شکل گرفت و شاید از شرکت در جنگ به نفع یکی از طرفین بهتر بود.

در جنگ جهانی دوم هم ایران با یک حادثه بین الملل روبرو بود که همانند جنگ جهانی دوم بیطرفی آن نقض گردید. در این دوره هر چند از نظر نیروی نظامی و شرایط اقتصادی کشور هنوز با مشکل روبرو بود اما به نسبت از پراکندگی در کشور کاسته شده بود و دیپلماسی ایران هم در این دوره آگاهانه تر بود. برخی معتقدند که بیطرفی تنها سیاست ممکن بوده است و تاکید می کنند که اشغال ایران، اجتناب ناپذیر بوده است. برخی دیگر هم بر این باورند که ایران نتوانست در اثناء جنگ در برابر متحدین و متفقین سیاستی منسجم اتخاذ کند. چنین سیاست ضعیفی، بیشتر به سبب وابستگی به قدرت های بزرگ بوده

است. گروهی دیگر ضعف نظامی و اقتصادی کشور را به عنوان عواملی برای اشغال کشور مطرح کرده‌اند. مهمترین عامل که بدان اشاره می‌شود، ضعف دیپلماسی ایران است که نمی‌توانست با قدرت های بزرگ برابری کند. آنچه در این پژوهش در صدد توجه به آن و روشن ساختن مساله هستیم، دیپلماسی ایران در طول جنگ جهانی اول و دوم است که می‌کوشید با وجود همه‌ی ضعف‌ها و در شرایط بوجود آمده راه حلی را اتخاذ کند که منافع ملی کشور تامین گردد و کمترین آسیب متوجه ایران گردد. در این پژوهش به این امر پرداخته خواهد شد که ایران به عنوان بازیگری کوچک می‌کوشید در شرایط ساختاری که در آن بازیگران جهانی سیاست‌های خود را اعمال می‌کردند منافع ملی کشور را تامین کند و ایران را از اشغال نجات دهد. همچنین نقش نیروی سوم، سیاست‌های اتخاذ شده از سوی کارگزاران و تاثیر آنها بر کشور بررسی خواهد شد.

۲- اهمیت پژوهش

این پژوهش دیپلماسی ایران را به عنوان یک دیپلماسی موثر در راستای منافع ملی بررسی می‌کند. با ذکر ساختارهای نظام بین‌الملل و با تاکید بر روی کارگزاران ایران.

۳- هدف پژوهش

در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا دیپلماسی ایران در طول جنگ‌های جهانی اول و دوم در راستای حفظ و تامین منافع ملی بوده و سیاست خارجی موثری اتخاذ نموده و یا به طور

صرف شرایط بین المللی حائز اهمیت بوده که بر ایران تحمیل گشته است. در بسیاری از آثار نوشته شده درباره‌ی ایران در جنگ های جهانی اول و دوم، به مسائل مهمی از جمله مشکلات اقتصادی ایران، نداشتن نیروی نظامی به منظور حفظ بیطرفی، موقعیت سوق الجشی ایران، نبود امکانات کافی و ضعف دیپلماسی ایران در برابر سایر قدرت های بزرگ اشاره شده است. بنابراین با فرض وجود مسائل مطرح شده، برانیم تا به مسائلی پرداخته شود که نقش دیپلماسی ایران را به آن گونه که هست نشان دهیم. با وجود همه‌ی ضعف ها، نتیجه‌ی جنگ باعث نگریدید تا کشور استقلال و تمامیت ارضی خود را از دست بدهد و یا با بسته شدن قرارداد جدیدی، به کشوی تحت الحمايه تبدیل گردد. علاوه بر این، دستیابی به این مهم را نمی‌توان عدم تمایل قدرت های بزرگ به انجام آن برشمرد، بلکه تلاشی که از سوی کارگزاران ایران صورت گرفت و همچنین تغییر در ساختار نظام بین‌الملل، در رهایی ایران از نفوذ ابر قدرت ها و حفظ تمامیت ارضی کشور موثر واقع شد.

۴- پرسش پژوهش

شرایط ساختاری حاکم بر نظام بین الملل و نحوه‌ی کنش کارگزاران ایران در جنگ های جهانی اول و دوم، چه تأثیری بر سیاست خارجی ایران و جهت گیری آن داشت؟

۳- متغیر ها

متغیر مستقل: تعامل میان ساختارهای نظام بین الملل و کنش دولت ایران به عنوان کارگزار

متغیر وابسته: ماهیت سیاست خارجی ایران در جنگ جهانی دوم

۴- فرضیه‌ی اصلی پژوهش

علی‌رغم شرایط ناشی از قید و بندهای ساختاری نظام جهانی و بازیگران بزرگ در جنگ‌های جهانی اول و دوم، دولت ایران به عنوان یک کارگزار کنشگر، برای تامین منافع ملی ایران و پایان اشغال بیگانگان، سیاست خارجی خود را بر محور دیپلماسی فعال و جستجوی نیروی سوم استوار ساخت.

۵- شاخص‌سازی و بررسی متغیرها

الف) سیاست خارجی

تدوین سیاست خارجی در خلاء صورت نمی‌گیرد بلکه رفتارها و تصمیمات در رابطه با دیگر ارگان‌های مشابه در صحنه‌ی بین‌المللی اخذ می‌شوند و توفیق سیاست‌گزاران در نیل به اهداف خود به میزان زیادی بستگی به ارزیابی درست عوامل و محدودیت‌هایی دارد که از جانب محیط بر آنها اعمال می‌شود، مفهوم محیط در سیاست خارجی دارای دو بعد است، عوامل محیط داخلی موثر بر سیاست خارجی و عوامل محیط خارجی موثر بر سیاست خارجی. سیاست خارجی ایران در طول جنگ جهانی اول و دوم تحت تاثیر قدرت‌های بزرگ بوده است. جنگ‌های جهانی برخلاف میل ایران، به این کشور کشیده شد. سیاست خارجی ایران در این دوره با همه‌ی ضعف‌های موجود در کشور، در راستای تامین منافع کشور

عمل می‌کرد، هرچند دیپلماسی ایران در بسیاری موارد بی‌نتیجه ماند و یا دیر به نتیجه رسید اما این به معنای صورت نگرفتن هیچ اقدامی از سوی کارگزاران ایران نیست.

ب) نخبگان سیاسی ایران

دولت‌ها به عنوان بازیگران سنتی عرصه‌ی بین‌المللی به نظر مارکس و بر دولت تجمع انسانی است که در محدوده‌ی یک سرزمین مشخص، مدعی انحصار به کارگیری خشونت فیزیکی به عنوان حق مختص به خود است. (خیبری، ۱۳۷۶، ص ۲۰۹) اگر بپذیریم مجریان سیاست خارجی ایران در طول جنگ جهانی دوم دارای خط مشی‌های سیاسی مختلفی بودند و یا به جناح‌های سیاسی متفاوتی تعلق داشتند، با این حال شاهد تداوم سیاست خارجی ایران در جهت تامین منافع ملی کشور و در ابتدا حفظ بیطرفی کشور و پس از نقض آن، پایان دادن به اشغال کشور و خروج نیروها می‌باشیم. تمام تلاش کارگزاران ایران، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور بود و با وجود همه‌ی مشکلات و ضعف‌های کشور این مهم تحقق یافت.

ج) وضعیت ایران در ساختار نظام بین‌الملل

ایران در جنگ جهانی اول و دوم به عنوان قدرتی کوچک محسوب می‌شد. نقش و اهمیت ایران در جنگ جهانی اول و دوم به دلیل موقعیت سوق الجشی، خطوط ارتباطی نزدیک، منابع نفتی و... بود. در زمان جنگ‌های جهانی اول و دوم، ایران کشوری مستقل بود اما در عمل در جنگ جهانی اول و دوم منطقه‌ی نفوذ دو کشور روس و انگلیس محسوب می‌شد. در جنگ جهانی دوم نیز حضور انگلیس و

روس در کشور دیده می‌شد و مناطق شمالی و جنوبی کشور را در بر می‌گرفت. پس عوامل خارجی مهمی در سیاست خارجی ایران نقش بازی می‌کردند. از نظر شرایط داخلی کشور، مشکلات اقتصادی، سیاسی و نظامی و پراکندگی نیروها، کشور را به شدت تحت تاثیر قرار داده بود. در طول جنگ نبود آذوقه و امکانات بهداشتی کافی، افزایش میزان قروض کشور، اشغال راه‌ها و برهم خوردن نظم عمومی در کشور شرایط را سخت‌تر ساخته بود. بعد از جنگ نیز مساله‌ی باقی ماندن نیروها در کشور و یا بسته شدن قراردادهای جدید به منظور بهره برداری بیشتر از ایران مشکلات کارگزاران برای حفظ کشور بود.

د) ساختار نظام بین‌الملل

پیش از جنگ جهانی اول ساختار نظام بین‌الملل موازنه‌ی قدرت بود، یعنی نوعی توازن بین قدرت‌های بزرگ دیده می‌شد. اما با آغاز جنگ از سوی آلمان، موازنه بر هم خورد و نوعی آنارشیک بر نظام حاکم گشت. در جنگ جهانی دوم نیز موازنه‌ی دو قطبی منعطف حاکم بود و در نتیجه‌ی شکل‌گیری دو بلوک شرق و غرب، هر یک از کشورها به یک بلوک گرویده بودند.

ه) دیپلماسی فعال

دیپلماسی فعال عنوانی جدید است که شاید برداشت‌های متفاوتی از آن بتوان داشت اما آنچه در این پژوهش دیپلماسی فعال در نظر گرفته شده است به معنای کارایی داشتن دیپلماسی و خنثی نبودن آن است. مفهوم دیپلماسی فعال به معنای به نتیجه رسیدن همه‌ی تلاش‌های دیپلماسی نیست بلکه انجام گرفتن کنشی که بتوان آن را دیپلماسی نامید به عنوان دیپلماسی فعال نامیده می‌شود.

و) نیروی سوم

ای اصطلاح در مورد نیرویی به کار می رود که نه در جناح راست قرار دارد و نه در جناح چپ، نه در برابر بلوک غرب متعهد است و نه در برابر بلوک شرق. (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳، ص ۶۳۰) سیاست نیروی سوم به عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی در سیاست خارجی ایران اتخاذ شده است که در آن برای خروج از فشار دو کشور مسلط، از نیروی سومی استفاده می شود تا شرایط فشار تخفیف یابد.

۶- پیشینه‌ی پژوهش

الف) ایرج ذوقی در دو کتاب خود تحت عنوان "ایران و قدرتهای بزرگ" مسائل مربوط به جنگ جهانی اول را اینگونه ارائه می دهد. کتاب ایران و قدرت های بزرگ در دو جلد به جنگ جهانی اول و دوم می پردازد. کتاب اول مربوط به جنگ جهانی اول در ده فصل ارائه گشته است.

کتاب روابط ایران و انگلستان، قراردادهای ۱۹۰۷م. ، امتیازات مربوط به نفت و اوضاع مالی ایران طی دوران جنگ را توضیح می دهد. همچنین مسالهی بیطرفی ایران در جنگ جهانی اول و اوضاع داخلی و سیاسی ایران در طول جنگ شرح داده شده است و اوضاع داخلی و سیاسی ایران با تقسیم دوباره‌ی ایران بین روس و انگلیس در قالب قرارداد ۱۹۱۵م. مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده به ماموریت نمایندگان در کنفرانس صلح پاریس در سال ۱۹۱۹م. و قرارداد ۱۹۱۹م. و ثوق-کرزن پرداخته و ضمن شرح و توضیح آن، علت قرارداد، مخالفت ها و موافقت های شکل گرفته در این زمینه را توضیح می دهد.